

وَأَرَادَ أَنْ يَنْفَعَهُ أَوْ يَجِدَ وَخَشَهُ أَوْ أَرَادَ فَلْيَقْبَلْ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ
اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَبِعِقَابِهِ وَبِشَيْءِ عِبَادِهِ وَبِمَنْ يَمُكَّرُ
الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَخْضُرُونَ فَرَعَ كَوْسُ بَرَسٍ وَرَسِيدَانِ
از باب علم ودر بعضی شروح است که فرغ انقباض و انفار یعنی انقباض
من الشیء الخفیة و هو من جنس الجوزع و لذلک لا یقال فرغت من الصدق یقال
خفت من الصدق و الا ربنا انتمی و حثت نفوت صدق من و یغی انه و
نیز آری یفحشین مدار از باب علم آری کبر عن لغت مذکر از الصراح
ربعل آری از سهر لعی فان کان السهر من عادته قبل آری یغی الهرة
و الراق له الهامة یتم کبھی میم خطه مشطیة بهجرات الشیاطین یغی
میم خطه الهامة الشیء یخط ما یقلد اللحن ان یخضرون یخرف ما یسکلم است
براز اللفظ یخرب ثونی و قایه اقتباس است از حق تعالی فی زیة اعدو ذیک
من هم آیت الشیاطین و اعدو ذیک است ان یخضرون یغی در
مسند امام احمد در دست از ولید بن ولید که برادر خالد بن ولید است که رسول
خدا فرمود است و وضع کبریا کبریا در خواب یا یابو جنت و نفوت را باید
کرد و کبریا الشیء یابو کبریا در وضعین بر است و است بس باید که بگوید اعدو ذیک
اللذات استالی فولد ان یخضرون فانهم فی بصره ای ناه مطلم کلمات خدا
که کامل اند و هیچ نقصان ندارند از لاف انتقام خدا که صفت خدا است و است
و از خدا بر وجهی که در آن خدا که صفت فعلی است و از شت خود از خدا
خطرات و دسوس شیطین که در دل افکنند و تصرف در باطن کنند و از شت
صافرت دن شیطین نژون که تصرف در ظاهر کنند پس جواز است تعوذ مکرر

ادنی

بمدنی ز صفا حضرت حضرت نوا است در سید فیض الله و مرده و سید الله
احمد و سید از ولید مذکور که گفت با رسول الله انی اجد و خفته قال
صالحه علیه السلام اذا اخذت یضجک نقل اعدو ذیک کلمات اللذات
من غضبه الا قول اول یخضرون و یخضرون و کتب عمل الیوم و الیوم
ابن سنی ان خالد بن الولید اصحابه آری فسی ذلک للذات الشیء صفا
علیه السلام فآره ان تعوذ عند ما یمریکات اللذات منه ان یخضرون
یخضرون و کان عند الله من غم و یلقنها من عقل من و لکن
و من لذلک یحفظ کتبهما فی صلک لکم علقها فی عقیقه
وله و لذلک کفوس است و کفول یغی در سنن ابوداود و در سنن ابویوسف و صحیح بخاری
صالحه علیه السلام است ان یخضرون یخضرون یخضرون یخضرون یخضرون
عبد الصمد بن عمرو العاصی که یخضرون یخضرون یخضرون یخضرون یخضرون
و سینه میگوید از ولید که او هر که قتل و سینه میگوید از ولید که او هر که قتل
برای او این کلمات را در کف غدا بر سر می آید است ان کلمات کبریا در کف
بس علق کتبهما من لم یعقل است و مصنف رحمه الله که در سنن حدیث و دلیل
است بر جواز تعوذ تعوذ بر کف و کان و در بعضی شروح است که من لم یعقل عقل
است بر سن عقل و کتبهما بقدر بقدر جنت بعد از جنت مر حفظ کان را اول است
خبر من در مضارعت و ما ضویت بر ارشاد است با کتبهما کتبهما است از
کتبهما و صحیح عقدا راجع است بر غیره عاقل الیوم یا یغی یا یغی یا یغی
تعوذ مختص باطفال نیست که در بعضی مصنف و مورخان تعوذ است هر که
تغییر صدق است اعدو ذیک کلمات اللذات الشیء لا یجاب

Copyrighted by University